



# مرکز جهانی علوم اسلامی

مدرسه عالی امام خمینی (ره)

پایان نامه کارشناسی ارشد

گروه فقه و اصول

عنوان:

## تعدی از نص و تنقیح مناط از دیدگاه مذاهب اسلامی

استاد راهنما:

حجة الاسلام و المسلمین دکتر میر خلیلی (دامت برکاته)

استاد مشاور:

حجة الاسلام و المسلمین دکتر برجی (دامت برکاته)

دانش پژوه:

سیدریاض حسین کاظمی

سال ۱۳۸۴

کتابخانه جامع مرکز جهانی علوم اسلامی

۷۵

شماره ثبت:

تاریخ ثبت:

تقدیم به:

یگانه الگوی حاکمان و زمامداران عالم، دریای بی‌کران عدالت  
روح کرامت انسانی یعسوب‌الدین امیر المومنین علی بن ابی طالب علیه السلام.  
اولین شهید مکتب سرخ ولایت مادر امامت ام ابیها سیده زنان  
دو جهان فاطمه زهرا علیها السلام.  
ستاره درخشان آسمان انتظار منجی عالم بشریت فریادرس  
مظلومان عالم مؤسس حکومت عدل موعود، همو که اعماق قلب  
ستمدیدگان عالم، آشیانه اوست.

### تقدیر و سپاس

با سپاس بیکران به درگاه خداوند متعال که توفیق تدوین و نگارش این اثر را به بنده حقیرش عنایت فرمود، اکنون بر خود فرض می‌دانم از اساتید و عزیزانی که در تدوین این اثر اینجانب را یاری داده‌اند کمال تشکر را ابراز داشته باشم.

از استاد معظم حضرت حجة الاسلام جناب آقای دکتر سید احمد میر خلیلی (دامه برکاته) که راهنمایی رساله را پذیرفتند و در مراحل مختلف گزینش موضوع نگارش، تصحیح و... از راهنماییها و توصیه‌های ایشان بهره فراوان بردم.

از استاد ارجمند حضرت حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر یعقوب علی برجی (دامه برکاته) که مشاورت رساله را تقبل نموده با دقت و حوصله فراوان، متن را مطالعه نموده و با آرایه نظرات و پیشنهادات اصلاحی و تکمیلی باعث رفع کاستی و غنای محتوای آن شدند. و هم چنین اساتید محترم گروه فقه و اصول مدرسه عالی امام خمینی (ره) و اساتید محترم دیگر که صمیمانه یاری کرده‌اند کمال تشکر دارد. هم چنین از مسؤلان محترم کتابخانه مدرسه عالی امام خمینی (ره) کتابخانه تخصصی فقه و اصول آیه الله سیستانی، مرکز فقهی ائمه اطهار (ع) و مراکز دیگر به خاطر زحماتشان صمیمانه قدردانی و تشکر دارم و برای همه عزیزانی از درگاه الهی سلامتی و توفیقات روز افروز مسئلت دارد.

## چیکده مطالب

از نظر مکتب حیات بخش اسلام، خلقت انسان و تمام موجودات یا هدف است و آن رساندن آنها به هدف و مقصدی است که برای آن آفریده شده‌اند و خلقت انسان برای نائل آمدن به مقام عبودیت و تسلیم در برابر معبود حقیقی است و بخشی از تعالیم اسلام که تجلی عینی دین در زندگی بشر است فقه نامیده می‌شود، فقهای بزرگ اسلام طی قرن‌ها با ژرف‌نگری و باریک‌بینی فراوان با به‌کارگیری روش‌ها و قواعد مناسب تلاش فراوانی نموده‌اند تا اینکه پرده‌ای از احکام شریعت بردارند و رزم برخی از آنها را بگشایند و همگام با تحولات سریع جامعه بشری آماده پاسخگویی نسبت به مشکلات فقهی مردم باشند.

دین مبین اسلام که ضامن راهنمایی بشر در تمام عصرها و نسل‌ها بود بعد از رحلت بانی اسلام حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله دست بزد افراد ناهل قرار گرفته و از همان ابتداء مسلمین در منابع تشریح و راه‌های استنباط احکام اختلاف شدیدی کرده‌اند و امروز مذاهب مختلف اسلامی بر سر منابع تشریح باهم اختلاف دارند، برخی کتاب و سنت اجماع و عقل را منابع فقه می‌دانند برخی دیگر قیاس و عمل صحابه را اضافه می‌کنند دیگری در کنار آن عرف و سد ذرائع و... را جزو منابع فقه ذکر کرده‌اند.

یکی از موارد اختلاف بین مذاهب، تعدی از نص و تنقیح مناط است اهل سنت آن را تحت عناوین قیاس، استحسان، عرف، عادت و... بحث کرده‌اند اگرچه علمای اصولی شیعه خصوصاً علمای قدیم آن را مستقلاً مورد بحث قرار نداده‌اند اما در ضمن بحث حجیت عقل و استصحاب و مفاهیم اجمالاً به این پرداخته‌اند.

در استنباط احکام اول باید سراغ متون دینی رفت و اولین وظیفه یک مستنبط سعی تمام برای فهمیدن متون دینی و نصوص است اینجا مستنبط باید تمام سعی خود را برای درک نص صرف کند نه آن متن دینی را در اندیشه محدود و تفکر شخصی و سلیقه‌ای زندانی کند که تحجر و جمود در نصوص دینی است و نه پا از نص فراتر بگذارد که از حصار نصوص خارج



شده و مدلول قطعی آن نادیده گرفته شود که اجتهاد در برابر نص نامیده می‌شود. در این مطالعه متون دینی سعی بر حصول ملاک احکام از خود متون دینی از انواع دلالات عرفی و الغای خصوصیت، تنقیح مناط، وحدت طریق اطمینان حاصل نمود و هرگاه ملاک به دست آید و با آن تعمیم حکم به موضوعات دیگر نمود. به شرط اینکه آن مختص به مورد نباشد.

اما اگر در اصول ملاک ظن یا مراتب کمتر از ظن مثل وهم و خیال رسیدیم نباید در چنین موارد آن را سرایت به موضوعات دیگر داد اما متأسفانه برخی از علمای اهل سنت اینجا بر ظن شخصی و اجتهاد به رأی عمل کرده مسیر فقه را تغییر داده‌اند و فقه را طبق میل حکمرانان جور بیان می‌کردند که در تاریخ نمونه‌های فراوانی وجود دارد، همین موارد ظنی و کمتر از آن مورد تنقید شدید از طرف علمای شیعه قرار گرفته اما اگر حصول ملاک قطعی باشد شیعه نه فقط آن را مورد قبول دارد بلکه به موضوعات دیگر سرایت هم می‌دهد.

راه‌های تعدی از نص که ما در این رساله بررسی کردیم و آن را به دو بخش تقسیم کردیم به نام راه‌های نقلی تعدی از نص در راه‌های عقلی تعدی از نص، عمدتاً راه‌های نقلی بازگشت به ظهور دلیل دارند و علمای شیعه آنها را در ضمن ظهور بیان کرده‌اند اگرچه ما آنها را با تعبیرات علمای اهل سنت بیان کردیم اکثر آنها مورد قبول طرفین بوده اگرچه در تعبیرات اختلاف داشتند اما عمدتاً راه‌های عقلی که ذکر شده موارد ظنون و غیره بوده علمای اهل سنت اکثر آن راه‌ها را قبول کرده‌اند و مورد انکار شیعه قرار گرفته است.

چون اهل سنت این ظنون و غیره را در اصول مورد پذیرش قرار داده‌اند لذا در فقه هم به کار بسته‌اند اما علمای شیعه این راه‌ها را نه در اصول پذیرفته‌اند و نه در فقه به کار بسته‌اند البته راه‌های قطعی را که در اصول قبول کرده بودند در فقه مورد عمل قرار دادند که از جمله آنها منصوص العله و غیره بود.

شیعه در فقه با احتیاط کامل دنبال دلیل معتبر بوده و دوری از کار برد ظنون و سلیقه شخصی همیشه مطمع نظر فقهای شیعه بوده است ولی باز هم دیده می‌شود که قلم آنها لغزیده و در گوشه و کنار کتب فقهی شان موارد ظن دیده می‌شود که فقهای بعدی آن را متذکر شده‌اند.



## فهرست مطالب

□	.....	تقدیم به:
□	.....	تقدیر و سپاس:
□	.....	چکیده
۱	.....	مقدمه
۷	.....	طرح تحقیق
۷	.....	اهداف تحقیق:
۷	.....	سؤالات اصلی و فرعی:
۸	.....	گرد آوری داده‌ها:
۹	.....	روش و ابزار گرد آوری اطلاعات:

## فصل اول: واژه‌های کلیدی

۱۱	.....	مقدمه:
۱۲	.....	واژه‌های کلیدی
۱۲	.....	۱: تعدی:
۱۲	.....	۲: نص:
۱۳	.....	۱-۲. جمع بندی:
۱۳	.....	۳: تعدی از نص:
۱۴	.....	۴: حکم:
۱۵	.....	۵: تعدی از حکم:
۱۵	.....	۶: علت:

۱۶	سبب:	۱۶
۱۷	۷-۱- تفاوت سبب و علت:	۱۷
۱۷	۸: حکمت:	۱۷
۱۸	۹: تفاوت حکمت با علت:	۱۸
۱۹	۱۰: تشخیص علت از حکمت:	۱۹
۱۹	۱۱: شرط:	۱۹
۲۰	۱۱-۱- فرق شرط و علت و سبب:	۲۰
۲۰	۱۲: مناط حکم (ملاک حکم):	۲۰
۲۰	۱۳: وحدت ملاک:	۲۰
۲۱	۱۴: تمام الملاک:	۲۱
۲۱	۱۵: اتحاد طریق:	۲۱
۲۲	۱۶: تنقیح مناط:	۲۲
۲۳	۱۷: تحقیق مناط:	۲۳
۲۴	۱۸: تخریج مناط:	۲۴
۲۵	۱۸-۱- فرق تنقیح مناط با تخریج مناط:	۲۵
۲۵	۱۹: مذاق شریعت:	۲۵
۲۶	۲۰: روح قانون:	۲۶
۲۷	۲۱: شَمّ الفقاهة:	۲۷
۲۷	۲۱-۱- فرق مذاق شریعت با شَمّ الفقاهة:	۲۷
۲۹	عناوین هم بسته با تعدی از نص و تنقیح مناط:	۲۹
۲۹	۱: قیاس:	۲۹
۳۰	۲: استحسان:	۳۰

۳۲	.....	۳: مصالح مرسله:
۳۳	.....	۱-۲- تفاوت استحسان با استصلاح (مصالح مرسله):
۳۴	.....	۴: سدّ ذرائع:
۳۵	.....	۱-۴- تفاوت مصالح مرسله با سدّ ذرائع:
۳۵	.....	۵: عرف:
۳۶	.....	۶- عادت:
۳۶	.....	۱-۶- فرق عرف و عادت:
۳۷	.....	۷- تناسب حکم و موضوع:
۳۸	.....	۸- الغای خصوصیت:

### فصل دوم: راه‌های نقل تعدی از نص

۴۰	.....	مقدمه:
۴۱	.....	الف: اصل حسن قبح عقلی:
۴۱	.....	ب: اصل عدل الهی:
۴۲	.....	ج: اصل تطابق دستگاه تشریح با دستگاه تکوین:
۴۳	.....	د: انفتاح باب علم و علمی:
۴۴	.....	انواع راه‌های نقلی تعدی از نص:
۴۴	.....	۱: منصوص العلة (نص بر علت):
۴۵	.....	۱-۱- نص صریح:
۴۵	.....	واژه تعلیل در لغت عرب:
۴۵	.....	۱-۱-۱: کی:
۴۶	.....	۱-۱-۲: من اجل:
۴۷	.....	۱-۱-۳: اذا:





- ۴۸ ..... ۱-۲: حجیت یا عدم حجیت نص صریح برای تعدی.....
- ۴۸ ..... ۱-۳: دیدگاه اهل سنت درباره منصوص العلة.....
- ۴۹ ..... ۱-۴: نظریه فقیهان شیعه درباره قیاس منصوص العلة.....
- ۵۰ ..... ۱-۵: منکرین حجیت منصوص العلة از فقهای شیعه.....
- ۵۰ ..... ۱-۵-۱: سید مرتضی و نظری وی درباره منصوص العله و دلیلش.....
- ۵۱ ..... ۱-۵-۲: سید ابن زهر.....
- ۵۱ ..... ۱-۵-۳: مولی عبدالله بن محمد البشروی الخراسانی (معروف به فاضل تونی).....
- ۵۲ ..... ۱-۵-۴: شیخ یوسف بحرانی، صاحب الحدائق الناظره.....
- ۵۲ ..... ۱-۵-۵: علامه شعرانی (ره).....
- ۵۳ ..... ۱-۵-۶: خلاصه دلیل منکرین تعدی از منصوص العلة.....
- ۵۳ ..... ۱-۵-۷: جواب به قول منکرین تعدی منصوص العلة.....
- ۵۳ ..... ۱-۵-۸: جمع بین دو نظریه موافق و مخالف تعدی از نص.....
- ۵۴ ..... ۱-۵-۹: نتیجه گیری.....
- ۵۵ ..... ۱-۵-۱۰: آیا منصوص العلة از باب قیاس است یا بحث ظهور؟.....
- ۵۶ ..... ۱-۵-۱۱: تحلیل مرحوم مظفر.....
- ۵۷ ..... ۱-۵-۱۲: ثمره عملی پذیرش تمام العلة یا جزء العلة بودن.....
- ۵۷ ..... علت منصوصه.....
- ۵۸ ..... ۱-۲: نص ظاهر.....
- ۵۹ ..... واژه‌های که در تحلیل ظهور دارند.....
- ۵۹ ..... ۱-۲-۱: حرف لام.....
- ۶۰ ..... ۱-۲-۲: أن «المفتوحة المخففة».....
- ۶۱ ..... ۱-۲-۳: حجیت نص ظاهر.....



- ۲: ایماء و تنبیه: ..... ۶۱
- ۱-۲- اقسام تنبیه و ایماء ..... ۶۲
- ۲-۲- حجیت ایماء و تنبیه ..... ۶۷
- ۳: دلالت اقتضاء ..... ۶۷
- ۱-۳- حجیت دلالت اقتضاء ..... ۶۸
- ۴: مفهوم ..... ۶۸
- ۱-۴- مفهوم موافق ..... ۶۹
- ۲-۴- تذکر: ..... ۶۹
- اولویت: ..... ۶۹
- آیا دلالت مفهوم از دلالت لفظی است و یا از نوع دلالت عقلی؟ ..... ۷۱
- ۳-۴- حجیت مفهوم موافق ..... ۷۱
- آیا مفهوم موافق از باب قیاس است؟ و استثنای آن و یا از باب ظواهر است ..... ۷۲
- ۴-۴- مفهوم مخالف: ..... ۷۲
- ۵-۴- حجیت مفهوم مخالف: ..... ۷۳
- ۵- عموم بدلیت ..... ۷۴
- ۱-۵- حجیت عموم بدلیت: ..... ۷۴
- ۶- عموم منزلت: ..... ۷۵
- ۱-۶- تفاوت عموم منزلت و عموم بدلیت: ..... ۷۵
- ۲-۶- حجیت عموم منزلت: ..... ۷۶
- ۷- اتحاد طریق ..... ۷۶
- ۱-۷- تفاوت اتحاد طریق با عموم منزلت ..... ۷۷
- ۲-۷- حجیت اتحاد طریق: ..... ۷۷



۷۷ ..... ۸- اجماع:

۷۸ ..... ۸-۱- حجیت اجماع:

### فصل سوم: راه‌های عقلی تعدی از نص

۸۱ ..... مقدمه:

۸۲ ..... ۱. اشاره:

۸۲ ..... آیا اشاره از بحث دلیل نقلی (لفظی) به حساب می‌آید یا از بحث دلیل عقلی؟

۸۳ ..... حجیت اشاره:

۸۴ ..... ۲. مناسبت حکم و موضوع:

۸۵ ..... حجیت تناسب حکم و موضوع:

۸۶ ..... ۳- مناسبت:

۸۶ ..... تعریف مناسبت:

۸۸ ..... جمع بندی تعاریف اصطلاحی:

۸۸ ..... حجیت مناسبت:

۹۱ ..... ۴: سبب و تقسیم:

۹۲ ..... سبب در اصطلاح:

۹۲ ..... تقسیم در لغت:

۹۲ ..... تقسیم در اصطلاحات:

۹۲ ..... توضیح تعریف:

۹۳ ..... اقسام سبب و تقسیم:

۹۳ ..... الف: تقسیم منحصر:

۹۵ ..... ۲: تقسیم منتشر:

۹۶ ..... حجیت سبب و تقسیم:

۹۷	نتیجہ بحث:
۹۸	۵: شبہ
۹۸	تعریف لغوی شبہ:
۹۸	تعریف اصطلاحی:
۹۹	تعریف اول:
۱۰۰	تعریف دوم:
۱۰۰	۳: تعریف سوم:
۱۰۰	۴: تعریف چہازم:
۱۰۱	حجیت مسلک شبہ:
۱۰۲	۶: دوران:
۱۰۳	تعریف لغوی دوران:
۱۰۳	تعریف اصطلاحی:
۱۰۴	محل دوران:
۱۰۴	حجیت دوران:
۱۰۵	۷: طرد:
۱۰۶	تعریف لغوی طرد:
۱۰۶	تعریف اصطلاحی:
۱۰۷	فرق طرد و دوران:
۱۰۸	حجیت طرد:
۱۰۹	نتیجہ بحث:
۱۰۹	۸: تنقیح مناط:
۱۱۰	تعریف لغوی تنقیح مناط:

۱۱۱	تعریف اصطلاحی:
۱۱۲	حجیت تنقیح مناظ:
۱۱۴	آیا تنقیح مناظ از راه‌های نقلی است یا عقلی؟
۱۱۵	دلیل استقراء:
۱۱۶	تعریف لغوی استقراء:
۱۱۶	تعریف اصطلاحی:
۱۱۷	تقسیمات استقراء:
۱۱۸	۱ - استقراء مباشر (استقراء در احکام)
۱۱۸	۲ - استقراء غیر مباشر (استقراء در ادله)
۱۱۹	حجیت استقراء:
۱۲۱	نتیجه بحث:
<b>فصل چهارم: موارد اتفاق و اختلاف علمای فریقین در مسأله</b>	
۱۲۵	مقدمه
۱۲۶	احکام الهی و فهم پذیری:
۱۲۹	معیار تعلیل:
۱۳۰	تعدی از نص و تنقیح مناظ و موقف علمای فریقین:
۱۳۱	اهل سنت و بلاک‌های ظنی و وهمی:
۱۳۲	توجیه اهل سنت:
۱۳۳	رد توجیه اهل سنت:
۱۳۸	واکنش تند شیعه و تعدی از نص و تنقیح مناظ:
۱۳۹	موارد اشتراک و اختلاف مذاهب در مسأله:
۱۴۰	الف: موارد اشتراک و اتفاق:



۱۴۰	۱. منصوص العلة:
۱۴۲	۲. قیاس اولویت (مفهوم موافق):
۱۴۵	۳. اجماع:
۱۴۶	موارد اختلاف:
۱۴۶	۱. علت مستنبطه:
۱۴۸	معیار تعلیل در علت مستنبطه نزد امامیه:
۱۴۹	۲. تنقیح مناط:
۱۵۰	۲/۱ تحقق مناط:
۱۵۲	۲-۲ تخریج مناط:
۱۵۳	۳. قیاس شبه:
۱۵۴	۴. طرد:
۱۵۴	۵. دوران:
۱۵۷	۶. مناسبت:
۱۵۸	نتیجه بحث:

### فصل پنجم: کاربرد تعدی از نص و تنقیح مناط در فقه جعفری

۱۶۱	مقدمه:
۱۶۴	۱: کاربرد منصوص العلة در فقه:
۱۶۴	۱-۱:
۱۶۷	نمونه‌های از قیاس اولی:
۱۷۰	نمونه‌های از قیاس "مستنبطه العلة":
۱۷۰	تذکر:
۱۷۴	کاربرد وحدت طریق مسألتین:



۱۷۵	..... کاربرد تنقیح مناط قطعی در فقه
۱۷۷	..... ۲: ابزار و وسائل:
۱۸۳	..... کاربرد مذاقی شریعت در فقه:
۱۸۶	..... کاربرد استقراء در فقه:
۱۸۸	..... نتیجه بحث فصل پنجم:
۱۸۹	..... خاتمه و نتیجه بحث
۱۹۵	..... فهرست منابع

## مقدمه

از نظر مکتب حیات بخش اسلام، خلقت انسان و تمام موجودات عبث و بیهوده نیست. <sup>(۱)</sup> بلکه دارای هدف و مقصد است و آن شوق و اشتیاق وصل و هجران، عشق و پرستش و بطور خلاصه تسلیم و عبودیت است. و انسان در مقابل خود، جامعه و خداوند مکلف و مسؤل می باشد و هر حرکت وی بلکه افکارش هم مورد نظر و توجه است. <sup>(۲)</sup> از این رو برای یک فرد مسلمان شناخت و وظیفه شرعی در رخدادهای مختلف امری لازم و حیاتی است و بخشی از تعالیم اسلام که تجلی عینی دین در زندگی بشر و پاسخگو به رخدادهای زندگی روز مره انسانی است فقه نامیده می شود.

فقههای بزرگ اسلام طی قرنهای با ژرف نگری و باریک بینی فراوان همراه با بکارگیری روشها و قواعد مناسب تلاش نموده اند که با فهم متون دینی، پردهای از احکام شریعت بردارند و رمز برخی از آنها را بگشایند و همگام با تحولات سریع جامع بشری مشکلات فقهی را نه فقط اینکه حل نمایند بلکه خودشان را از قبل برای چنین نیازی آماده می ساختند.

و در این راه زحماتی فراوان کشیده حتی تادم تیغ و پای دار و پس زندانها هم از وظیفه الهی شان غافل نبودند.

۱- أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ (سوره مؤمنون، آیه ۱۱۵).  
 - وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ (سوره انبیاء، آیه ۱۶)  
 ۲- وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ (سوره ذاریات، آیه ۵۶).  
 - إِنْ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا (سوره اسراء، آیه ۳۶).





نکته‌ای قابل ملاحظه و درد آور که در این جا باید یاد آوری شود این است که همان اسلام که با آموزه‌های خویش جامعه جهانی را تحت تأثیر فراوان قرار داده بوده و بر تمام تمدن‌های عصر خویش چیرگی کرده و آوازه آن در تمام عالم بلند بود و ضامن راهنمایی برای انسانها در همه عصرها و نسل‌ها بود بعد از رحلت نبی مکرم اسلام حضرت محمد ﷺ دست برد افراد نا اهل قرار گرفته از همان ابتداء مسلمین در منابع فرعی فقه و شیوه‌های استنباطی اختلاف شدیدی کردند و امروز متأسفانه باید گفت که منابع تشریح و نیز وسیله و راه‌های استنباط احکام، در میان مذاهب اسلامی مورد اتفاق نمی‌باشند که اینجا اجمالاً ما به این اختلاف اشاره می‌کنیم:

الف: بنا بر نقل عین‌الله رازی از محمد بن حسن شیبانی از شاگردان ابوحنیفه، ادله فقهی بر چهار قسم می‌باشند، کتاب، سنت، اقوال صحابه، ما رأه المسلمین حسناً، که برخی از اصولیین حنفی مسلک دلیل چهارم را تعبیر از اجماع می‌دانند و برخی آن را همان اعتبار عرف و مردم و استحسان در فقه حنفی شمرده‌اند.<sup>(۱)</sup>

برخی دیگر در تبیین ساختار فقهی ابوحنیفه می‌گویند او ابتداء به کتاب عمل می‌کرد و سپس به آنچه در سنت پیامبر (ص) بود و آنگاه به اجماع صحابه و سپس به نظر برخی از صحابه در موارد اختلافی و آنگاه به قیاس متمسک می‌شد.<sup>(۲)</sup> و به قول بعضی اساس تفکر فقهی ابوحنیفه بر اصول سه‌گانه، کتاب، سنت و قیاس در صورت فقدان کتاب و سنت، استوار است.<sup>(۳)</sup>

ب: مذهب مالک بن انس از نظر قدمت دومین مذهب از مذاهب عامه است بر پایه

۱. سرخسی، شمس‌الدین، محمد، اصول سرخسی، ج ۱، ص ۳۱۸.

۲. محمد صالح، موسی حسین، الاجتهاد فی الشریعة الاسلامیة، ص ۵۱.

۳. عبدالمحسن، فضل الله، الاسلام و اساس التشریح، ص ۶۲.



تحقیق قاضی عیاض، اصول مذاهب مالکی بز چهار اصل مبتنی است، قرآن، سنت، عمل علمای مدینه، قیاس<sup>(۱)</sup> و بقول ابن خلدون، مذهب مالکی بز کتاب، سنت، اجماع، عمل اهل مدینه، و قیاس بنیان نهاده شده است.<sup>(۲)</sup> و بزخی دیگر گفته‌اند مالک در فقه علاوه بر کتاب و سنت به استحسان، مصالح، سد ذرائع عرف و عادت اعتماد می‌نمود و در صورت فقدان ادله فوق در مسأله‌ای به قیاس روی می‌آورد.<sup>(۳)</sup> بعد از مالک، محمد بن ادریس بن عباس پایه گذار مذهب شافعی است که نزد اهل سنت از لحاظ زمان سومین مذهب شمار می‌رود. او در کتاب الام در بیان منابع فقه چنین می‌گوید: علم دارای مراتب و طبقات مختلفی است در مرتبه اول کتاب و سنت جا می‌گیرد که در مرحله نخست باید به آنها مراجعه کرد. و در صورت نبودن حکمی در کتاب و سنت نوبت به مرتبه دوم یعنی اجماع می‌رسد. سپس سخن بزخی از اصحاب رسول خدا (ص) در صورتی که مخالفی با کلام آنها یافت نشود. در مرتبه سوم از طبقات علم قرار می‌گیرد، بعد از آن در صورت دست نیافتن به حکم در منابع مذکور، اجتهاد به رأی و قیاس مستند حکم شرعی می‌باشد.<sup>(۴)</sup>

چهارمین مذهب نزد اهل سنت مربوط است به ابو عبدالله احمد بن محمد بن حنبل که درباره وی گفته شده است که کتاب اولین منبعی است که احمد بن حنبل بر طبق آن حکم می‌کرده است و سنت دومین منبع از منابع فقه است که بیشترین کاربرد در فقه او دارد، پیروی از آرای صحابه و تابعین، در صورت فقدان کتاب و سنت، سومین منبع

۱. ابوزهره، محمد، مالک حیات و عصره، ص ۲۰۵.

۲. ابن خلدون مغربی، مقدمه ابن خلدون، ص ۹۷.

۳. محمد صالح، همان، ص ۵۶.

۴. شافعی، محمد بن ادریس، الام، ج ۷، ص ۲۶۵.



از منابع فقهی او می باشد.<sup>(۱)</sup>

هرچند ابن قدامه از احمد بن حنبل نقل می کند که هیچکس از قیاس مستغنی نیست ولی برخی معتقدند او قیاس را روا نمی دانست و سخنان تندی به طرفداران قیاس گفته است.<sup>(۲)</sup>

اما از نظر علمای اصولی امامیه منبع اصلی در فقه اسلام، قرآن کریم است و بعد از آن سنت معصومین علیهم السلام یعنی گفتار، عمل و تقریر معصومین علیهم السلام و اجماع به معنای اتفاق نظر فقها به گونه ای که کاشف از نظر معصوم باشد از منابع فقه است البته روشن است در مذهب امامیه اجماع آنگونه که در مذاهب اهل سنت مطرح است دلیل مستقلی نمی باشد بلکه در واقع بازگشت به سنت می نماید و صرفاً به رعایت مشابهت ظاهری منابع امامیه با مذاهب عامه به عنوان منبع ذکر شده است و منبع چهارم عقل سلیم است که می تواند با ارزیابی ملاکات و مناطات احکام، در موارد سکوت شرع اظهار نظر نماید ولی منابع مانند قیاس، استحسان، سدذرائع از سوی دانشمندان امامیه به شدت مورد انکار قرار گرفته است.<sup>(۳)</sup>

از آنچه گذشت اجمالاً روشن گردید که دیدگاه مذاهب اسلامی نسبت به منابع فقهی یکسان نمی باشد و همین طور در بحث ابزار استنباط نیز اختلاف فزوانی وجود دارد.

از همین جا به این نکته اشاره می کنیم که یکی از مهم ترین بحث اختلافی بین شیعه و اهل سنت در علم اصول «تعدی از نص و تنقیح مناط» است که معمولاً اهل سنت

۱. عبدالمحسن، فضل الله، همان، ص ۲۸.

۲. ابن قدامه مقدسی، موفق الدین عبدالله بن احمد، روضة الناظر و جنة المناظر، ص ۱۴۷.

۳. حکیم، محمدتقی، الاصول العامة للفقهاء المقارن، ص ۳۷.

آن را در ضمن قیاس، استحسان، سدذرائع و غیره مطرح کرده‌اند و علمای شیعه هم در ضمن بحث دلیل عقل، مفاهیم، استصحاب و غیره به آن پرداخته‌اند.

در استنباط احکام، اولاً باید سراغ نصوص دینی (کتاب و سنت) رفت و اولین وظیفه یک فقیه متعهد اجتهاد در فهم نصوص است تدبیر و تعقل در فهم نصوص دینی، آن است که با در نظر داشتن حریم و حصار متن دینی، با آن از سر سادگی و بلاهت بر خورد نشود بلکه با این اعتقاد در فهم آن تلاش شود که گوینده آن فرد حکیم، دور اندیش، انسان شناس و آگاه به پیدا و پنهان هستی بوده است و نیز دانسته شود که مخاطب آن، همه انسانها در تمام عصرها هستند و در میان اینان فرزندانگان، نابغه‌ها و... خواهند بود. و به تعبیر دیگر، به خود اجازه ندهیم که متن دینی مسلم الصدور را در حصار اندیشه بسته خویش معنا کنیم بلکه نص را دریای ژرف از معارف و معانی بدانیم که انسانها به اندازه ظرف و جودی و فکری خویش از آن بهره می‌جویند و اجتهاد در فهم نصوص آن است که تمام امکانات معرفتی برای نص بکار گرفته شود و این (اجتهاد در فهم نصوص و متون دین) راهی است میانہ که دو طرف آن گمراهی و ضلالت است چون اگر بر نص جمود کردیم که تحجر و جمود در فهم نص نامیده می‌شود و دیگری اجتهاد در برابر نص، خارج شدن از حصار نصوص و متون دینی تا آنجا که مدلول قطعی آن نادیده گرفته شود.

چنانچه تحجر و جمود که فهم نصوص در بند الفاظ و واژگان زندانی گردد خطر آن کمتر از خطر اجتهاد در برابر نص نیست، چون تحجر، به ناکامی دین در اداره زندگی می‌انجامد و از دین، چهره‌ای خشن، غیر قابل انعطاف درونی، و بی توجهی به واقعیت‌های وجودی آدمی، نشان می‌دهد و اجتهاد در برابر نص هم موجب بازی با